

نسل دوم

هاوارد فاست

خسرو همایون پور

انتشارات معین

تهران، ۱۳۸۱

فهرست مطالب

۷ درباره نویسنده کتاب
۱۱ بخش نخست . به آغوش خانواده
۱۲۱ بخش دوم . وداع
۱۸۹ بخش سوم . به سوی مصر
۲۵۹ بخش چهارم . پیوند دوباره
۳۱۵ بخش پنجم . سفر به نیویورک
۳۶۱ بخش ششم . خیابان خواب
۴۰۷ بخش هفتم . بازگشت به میهن

بنام خدا

درباره نویسنده کتاب

هاوارد فاست^۱ به سال ۱۹۱۴ در شهر نیویورک و در خانواده‌ای کارگری دیده به جهان گشود. پس از به پایان رساندن دوره دبیرستان چند سالی را به کارگری گذراند و سپس با اندک پس‌اندازش در آکادمی ملی طراحی نیویورک به تحصیل پرداخت، اما در نیمه راه آن را رها ساخت.

فاست، نویسندگی را از هفده سالگی آغاز کرد و نخستین داستان بلندش به نام دو دره^۲ را در سال ۱۹۳۳ م به چاپ رساند. در سال ۱۹۳۷ م، پس از انتشار داستان کوتاهش به نام بچه‌ها^۳ در هفته‌نامه استوری^۴ توانست با درآمد آن از کارگری دست کشد و تمامی هم خود را وقف نوشتن کند.

پا گرفتن فاشیسم در اروپا، فاست جوان را به سازمان‌های چپ متمایل ساخت. او از سال ۱۹۴۰ م از سوی «کمیته فعالیت‌های ضد امریکایی» مجلس نمایندگان امریکا، به اتهام اهانت به کنگره، و خودداری از افشای فعالیت‌های «کانون پناهندگان ضد فاشیست»، به زندان افتاد. اما پس از آزادی از زندان بار دیگر در سال ۱۹۵۳ م از سوی همان کمیته، به عنوان آنکه مورد حمایت اتحاد شوروی است، تحت بازرجویی قرار گرفت. ولی این بار نیز، با استناد به متمم پنجم قانون اساسی، از اعتراف به عضویت در حزب کمونیست امریکا سر باز زد.

فاست، در سال ۱۹۵۲ م از سوی حزب کارگر نامزد نمایندگی در کنگره

1. Howard Fast

2. Two Valleys

3. Children

4. Story

گردید، اما بدان راه نیافت. او، به رغم دریافت جایزه بین‌المللی صلح استالین در سال ۱۹۵۴ م در سال ۱۹۵۷ از حزب کمونیست امریکا کناره‌گیری کرد و در کتاب خدای برهنه^۱ علت این کناره‌گیری و همچنین سرخوردگی اش از استالینسم را فاش ساخت. او در این کتاب، حساب جهان‌بینی اش را از حساب حزب کمونیست امریکا جدا می‌سازد و با سخنانی بس‌گزنده حزب را به باد نکوهش می‌گیرد. اما باید دانست که کناره‌گیری وی از حزب، به مفهوم گسستن از یک اردوگاه و پیوستن به اردوگاهی دیگر نبود؛ زیرا او، همچون گذشته، با قلم توانایش به ستیز با ستم و خودکامگی صاحبان زر و زور ادامه داد. پال نوپف^۲، نویسنده و نقدنویس امریکایی، در ژوئن ۱۹۵۷ در هفته‌نامه ادبی نیویورک تایمز درباره‌ی خدای برهنه چنین نوشت:

«زمانی دراز، فاست را کمونیستی می‌دانستند بدمنش و شیطان‌صفت که به دشواری می‌شد انسانش نامید، اما اکنون که او چونان آرمان‌گرایی آرمان‌باخته به ما چهره می‌نمایاند، درمی‌یابیم که نه‌تنها نویسنده‌ای صادق و صمیمی است که بسیار هم نیک‌منش و آدمی خو است. اگر به انگیزه‌های او پی ببریم و پیامش را به گوش جان بشنویم، به ناچار می‌پذیریم که انساندوستی و آرمانخواهی او، حتی در دوران عضویتش در حزب کمونیست، ژرف و بی‌غش بوده است.»

فاست، نویسنده‌ای است پرکار. او نوشته‌های بسیار و پربردار دارد و چون بیشتر نوشته‌هایش پیرامون شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی دور می‌زند، به نویسنده داستان‌های تاریخی شهرت یافته است. از پرکاری وی همان بس که بدانیم، در مدت سه سال داستان بلند نوشت؛ شکست‌ناپذیر^۳ سال ۱۹۴۲، همشهری نام‌پین^۴ سال ۱۹۴۳ م و راه آزادی^۵ سال ۱۹۴۴ م.

فاست، در آفرینش و بازآفرینی شخصیت‌های داستان‌هایش به شیوه‌ای تازه روی می‌آورد، تاز و بود شخصیت‌های داستان‌های او از خیال بافته نشده‌اند. این شخصیت‌ها انسان‌هایی واقعی‌اند، گویی گوشت و پوست و خون دارند، جان دارند. هیچ یک از آنان، یگانه و از تافته جدا بافته نیستند. زشت‌اند و زیبا، توانایند و ناتوان، پلیدند و فرهیخته؛ انسانند با همه نیکی‌ها و

1. *Naked God*3. *The Unvanquished*5. *Freedom Road*2. *Paul Knopf*4. *Citizen Tom Paine*

بسی‌ها، و هنر فاست هم در همین است. او هوشمندانه به شخصیت‌های داستان‌هایش کمال نمی‌بخشد، زیرا می‌داند که انسان کامل وجود ندارد. فراتر از آن، فاست این شخصیت‌ها را در زمان و مکان خودشان قرار می‌دهد و آنگاه به نوشتن زندگی‌نامه‌هایشان می‌پردازد، نه آنکه از ژرفای تاریخ بیرونشان کشد و با معیارهای امروزی تصویرشان کند. تامس لسک^۱، نویسنده و نقدنویس امریکایی، در این باره می‌نویسد:

«هاوارد فاست، داستان تاریخی‌نویسی است از سنخی دیگر. در نوشته‌های او مسائل جنسی، قداره‌بندی، ماجراهای سراسر زدوخوردی و چاشنی‌های رایج در این هنر جایی ندارند. صحنه رویدادها هرگز تحت الشعاع زرق و برق و عظمت صحنه‌آرایی‌ها قرار نمی‌گیرند. او تاریخ‌ماو یا افسانه‌های کهن را از دید امروزیان نمی‌نگرد و همچون تامس مان در بازآفرینی افسانه یوسف اندیشه‌های روشنفکرانه سده بیستم را در ماجراهای سده‌های گذشته نمی‌گنجاند. آنچه فاست را همواره مجذوب می‌سازد، والایی انسان‌هایی است که به‌تنبهایی و یا همپای دیگران تمامی توان و گاه جان خود را وقف آن می‌کنند که ارج و منزلت واقعی انسان را بدو بازگردانند.»

فاست، نویسنده‌ای است انساندوست و انسانی ستایشگر آزادی و آزادگی. او در همه داستان‌هایش از جمله اسپار تاکوس، شکست‌ناپذیر، راه آزادی و نسل دوم^۲ نه‌تنها چهره انسانی‌اش که توانایی شگرفش در نویسندگی را به ما می‌نمایاند.

گر چه این نویسنده توانا و آزاده در میهن خود، آنجا که مجسمه آزادی سر بر آسمان می‌ساید، همواره مورد بی‌مهری مدعیان دموکراسی! بوده است! اما شیفتگان راستین آزادی چه در کشورش و چه در سراسر جهان به نوشته‌های او مهر می‌ورزند؛ تا آنجا که راه آزادی تنها در ظرف پنج سال هشت‌بار تجدید چاپ می‌شود.

فاست، همواره انسانیت را پاس داشته و بر نانسان‌ها تاخته است. پس باید پذیرفت که، هاوارد فاست سترگی است از آزادگان و بزرگی است از نویسندگان سده بیستم.

خ. ه.

1. Thomas Lask

2. *Second Generation*